

تاریخ نزول و نگارش کتاب مستطاب اقدس

نگارش: کامران اقبال

نخستین ترجمه مستند کتاب اقدس به زبان انگلیسی در سال ۱۹۹۲ مصادف به یکصدمین سال صعود حضرت بهاء الله توسط بیت عدل اعظم انتشار یافت. اگر چه قبلاً ترجمه برخی از آیات این کتاب مستطاب توسط حضرت ولی امرالله در دسترس احبّاء غرب قرار داده شده بود و نیز در سال ۱۹۷۳ بیت عدل اعظم چکیده و خلاصه آن را به انگلیسی انتشار دادند (۱) اما ترجمه رسمی آن سالها بنا به مصالح امر دستخوش تأخیر شد. در نامه ای که منشی حضرت ولی امرالله در تاریخ ۲ مه ۱۹۴۷ از جانب ایشان خطاب به یکی از یاران نگاشته شده ترجمه این کتاب نهی شده و مرقوم رفته است که حضرتشان "مایل نیستند (این اثر) در زمان حاضر ترجمه شود". از آنجا که پخش و انتشار کتاب اقدس در آن زمان فقط در محدوده معینی بود و امکان تنفیذ اوامر و نواهی کتاب اقدس وجود نداشت، در آن نامه آمده بود که حضرت ولی امرالله "به ترجمه آن در زمان حاضر تمایلی ندارند" (۲)

حضرت بهاء الله نیز در زمان خود ترجمه کتاب اقدس را تشویق و ترغیب نفرموده اند و در بیانی می فرمایند:

"اگر چه مقصد جناب مترجم خیر بوده لکن از این جهت که اینگونه امور در این ایام سبب اختلاف می شود لهذا جائز نه" (۳)

جزئیات دقیق نزول کتاب مستطاب اقدس در پرده ای از ابهام مستور می باشد. هدف این مقاله دادن تاریخچه ای از چاپهای گوناگون کتاب مستطاب اقدس و تعیین تاریخ و دوره نزول آنست. محققین بهائی و غیر بهائی در اینکه کتاب مستطاب اقدس در چه سال نازل شده هم عقیده نیستند و تاریخ هائی که از ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۵ متفاوت است نقل می کنند. در این مقاله هدف آنست که نشان داده شود نزول این کتاب مستطاب در یک سال و یک زمان نبوده بلکه دوره ای را شامل است که حداقل از ورود جمال اقدس ابهی به قلعه عکا آغاز می شود (۱۸۶۸) و تا ۵ سال یا بیشتر در محلّ های گوناگون به طول می انجامد.

نسخه ها و چاپ های اصلی کتاب مستطاب اقدس

نخستین چاپ کتاب مستطاب اقدس، یا همانطور که در آثار حضرت بهاءالله از آن نام برده شده "الکتاب القدس" همراه با گزیده الواح آن حضرت در زمان حیاتشان در ۳۸۰ صفحه در بمبئی منتشر شد (۱۳۰۸ هجری / ۱۸۹۰-۱ میلادی) (۴). حضرت ولی امرالله به چاپ دیگری در عشق آباد که اطلاع زیادی از آن در دست نیست اشاره می فرمایند. (۵) احتمالاً در بمبئی دو چاپ نشر گردیده یکی چاپ بالا و دیگری مجلّدی که فقط حاوی متن کتاب مستطاب اقدس بوده است. (۶) پس از صعود حضرت بهاء الله، یعنی در دوران میثاق طبع دیگری از این سفر کریم همراه با برخی از الواح حضرت بهاء الله در ۲۶۳ صفحه در بمبئی منتشر شد (۱۳۱۴ هجری / ۱۸۹۶ میلادی). مجدداً طبعی در ۱۷۸ صفحه در زمان حضرت ولی امرالله (ظاهراً بدون اطلاع و رضایت حضرتشان) منتشر گردید. این کتاب در بیروت در سال ۱۹۴۵ به سفارش سلیمان رفعت نشر شد و حضرت ولی امرالله دستور فرمودند که تمامی نسخ آن و لوحه های چاپخانه به مرکز جهانی در حیفا ارسال گردد (۷) بنابراین طبع سال ۱۸۹۶ را که در زمان حیات حضرت عبدالبهاء انجام گرفت می توان آخرین نشر رسمی و مستند کتاب مستطاب اقدس دانست.

طبع دیگری نیز از کتاب مستطاب اقدس در سال ۱۹۳۱ در بغداد منتشر شد (۸) و عامل طبع آن خدوری الیاس عنایت مقدمه ای که نمودار نیات مغرضانه او از طبع کتاب بود بر آن نوشت.

بنا به رعایت میل حضرت شوقی ربّانی (۱۸۹۷-۱۹۵۷) بهائیان مشرق از طبع و نشر کتاب اقدس خودداری می کردند، مع هذا تهیه نسخه ای از کتاب برای علاقمندان غیر ممکن نبود.

نخستین ترجمه کوتاه این کتاب در زمان حیات حضرت بهاء الله توسط مستشرق انگلیسی ادوارد. ج. براون در سال ۱۸۹۹ در مجله انجمن پادشاهی جغرافیائی (۶) درج شد. در سال ۱۸۹۹ الکساندر تومانسکی مستشرق روسی نخستین ترجمه کامل این کتاب را به زبان روسی همراه با متن عربی منتشر ساخت (۱۰). از تنها ترجمه دیگری که خبر داریم آنست که توسط دو کشیش پرسبیتریائی Presvytarian که در ایارن میسیونر بودند بنامهای ارل نی. الدر Earl E. Elder و ویلیام م. میلر William M. Miller در سال ۱۹۶۱ به عمل آمد (۱۱). این ترجمه گر چه ظاهراً کامل به نظر میرسد ولی دارای اشتباهاتی غرض آلود مخصوصاً در بخش یادداشت هاست. (۱۲)

نحوه نزول و نگارش کتاب مستطاب اقدس

اطلاعات ما در مورد نحوه دقیق نزول کتاب مستطاب اقدس روشن و کامل نیست. با وجود اینکه صدها از آثار مبارکه مزین به دست خط مبارک حضرت بهاء الله در دست می باشد نسخه ای از این کتاب به خط ایشان تحریر نشده است. به نظر میرسد که یکی از نسخه های اصلی به خط حضرت عبدالبهاء بوده است (۱۳) و شاید گواه بر این نکته باشد که کتاب توسط حضرت بهاء الله به ایشان دیکته شده است. نسخه دیگری به خط جناب زین المقرّبین وجود دارد. وی که از مجتهدین معروف اسلامی است پس از ایمان به آنین بهائی در ارض اقدس مجاورت جست و از خط خوش بهره مند بود. همان کسی است که سوالاتی در مورد نحوه اجرای برخی احکام به ساحت حضرت بهاء الله عرض کرد و آن سوالات همراه با پاسخ آن ها، رساله سؤال و جواب را که متمم کتاب مستطاب اقدس است تشکیل میدهد (۱۴).

حضرت عبدالبهاء نسخه خط زین المقرّبین را نسخه صحیح و نسخه چاپی را مخدوش دانسته اند (۱۵). معلوم نیست اشاره هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء به کدام یک از چاپ های کتاب مستطاب اقدس است. شاید مقصود نسخه بمبئی ۱۳۰۸ / ۱۸۹۰-۱ به خط محمد علی ناقص اکبر که در سال ۱۳۱۴ / ۱۸۹۶-۷ حرف چینی و به چاپ رسیده می باشد. این نکته نیز معلوم نیست که آیا این همان نسخه بوده که بعدها مورد استفاده Elder برای چاپ قرار گرفته است یا نه (۱۶). با آنکه تفاوت های مختصری بین متن چاپ های کتاب مستطاب اقدس به چشم میخورد و به طور روشن در برخی از آنها دست برده شده اما تا کنون هیچ تحقیق اساسی در این موضوع صورت نگرفته است. (۱۷)

سوی رساله سؤال و جواب، الواح حضرت بهاء الله که پس از کتاب اقدس نازل شده متمم کتاب مستطاب اقدس به شمار می آید (۱۸). این احکام متمم به صورت کامل در دست نیست. برخی از آنها در میان اوراق

حضرت عبدالبهاء بوده که توسط نابرداری ایشان میرزا محمد علی به سرقت رفته (۱۹) و هنوز اعاده نگردیده است.

در مورد نحوه نزول و کیفیت نگارش کتاب اقدس اطلاعات ما بسیار کم است. فی المثل نمی دانیم آیا نسخه ای که به خط حضرت عبدالبهاء وجود دارد توسط حضرت بهاء الله به ایشان دیکته شده یا نه، و اگر چنین است کجا، چطور و تحت چه شرایطی، از مفاد برخی آثار مبارکه این طور بر می آید که کتاب مستطاب اقدس توسط جمال اقدس ابهی در موقعیت های مختلف در طی چند سال به کاتبین وحی دیکته می شده. بخش بزرگی از الواح، نه همگی آنها، بعد از تصویب جمال اقدس ابهی به خاتم مبارک مزین می شده اند. در لوحی که به خط میرزا آقا جان خادم الله خطاب به ع. ل. قبل اکبر یعنی حاج ملا علی اکبر شه میرزادی، حاجی آخوند (۲۰) در دست است، حضرت بهاء الله می فرمایند که در طی اقامتشان در ادرنه (۱۸۶۸-۱۸۶۳) برخی احکام بنا بر استدعای احباء به زبان فارسی نازل گردیده ولی به جایی ارسال نشده است. (۲۱) در این لوح تا تاریخ ۱۵ جمادی الاول ۱۲۹۰ هجری- ۱۱ جولای ۱۸۷۳ میلادی را دارد می فرمایند: "... و در این ایام کتاب اقدس از سماء مقدس نازل". بر اساس این بیان مبارک اغلب محققین بهائی سال نزول کاب مستطاب اقدس را ۱۸۷۳ گرفته اند اما با دلایلی بجا هم بهائیان و نیز غیر بهائیان در مورد تاریخ دقیق نزول آن اطمینان کامل ندارند.

از غیر بهائیان میلر در مقدمه خود به ترجمه کتاب اقدس می نویسد که تعیین تاریخ دقیق میسر نیست، اما می گوید احتمالاً سال ۱۸۷۵ بوده است. (۲۲) وی در کتاب ردیه ای که در سال ۱۹۷۳ بنام "دیانت بهائی" منتشر ساخته در این مورد کاملاً ساکت است. هرمن رومر از نخستین سالهای دهه هفتاد نام می برد، (۲۳) و دیگران از قبیل گلدزیهر، ریچاردز (۲۴) و حتی براون تاریخی برای نزول کتاب اقدس ارائه نمی دارند.

حضرت ولی امرالله در کتاب قرن بدیع *God Passes by* که مروری بر تاریخ دیانت بهائی است تاریخ نزول کتاب اقدس را پس از انتقال حضرت بهاء الله به بیت عودی خمّار "تقریباً ۱۸۷۳" (۲۵) بیان فرموده اند که به احتمال فراوان بر اساس لوح جمال اقدس ابهی خطاب به حاجی آخوند مورخ جولای ۱۸۷۳ است که در آن نزول کتاب اقدس را "در این ایام" مرقوم فرموده اند. نفس اینکه حضرت ولی امرالله کلمه "تقریباً" را به کار برده اند نشان میدهد که حضرتشان از تاریخ دقیق نزول کتاب مستطاب اقدس مطمئن نبوده اند. به همین کیفیت بیت عدل اعظم الهی در مقدمه ترجمه رسمی کتاب مستطاب اقدس که در ۱۹۹۲ منتشر شد سال نزول را "در حدود ۱۸۷۳" مرقوم داشته اند. (۲۶) ادیب طاهرزاده می نگارد که کتاب مستطاب اقدس در "اوایل سال ۱۸۷۳" نازل شده (۲۷)، پیتر اسمیت "حدود ۱۸۷۳" (۲۸) و نصر الله محمد حسینی "در حدود ۱۸۷۳" (۲۹) می دانند.

از سوی دیگر دانشمند شهیر بهائی عبدالحمید اشراق خاوری هیچ گونه اشاره ای به این اشکالات نکرده تاریخ نزول را "به سال ۱۸۷۳ م و ۱۲۷۸ هجری قمری" میدانند (۳۰) لیکن سال ۱۲۸۷ هجری در ۳ آوریل ۱۸۷۰ میلادی آغاز شده و ربطی به سال ۱۸۷۳ میلادی ندارد. در جای دیگر تاریخ نزول را "اواخر سال ۱۲۸۷ ه. ق" ذکر نموده و با توجه به آیه ۸۶ کتاب مستطاب اقدس که به شکست ناپلئون سوم در جنگ سدان (۲ سپتامبر ۱۸۷۰) اشاره می فرماید این بار به صورت صحیح تری تاریخ نزول را حدود ۱۸۷۰ م

قرار داده است (۳۱) بیان دیگر ایشان که کتاب اقدس به خط حضرت بهاء الله نازل گردیده و موجود است نیز ظاهراً درست نیست (۳۲).

اطلاعات دیگری که از شرایط و وقایع مربوط به نزول کتاب مستطاب اقدس داریم نیز با یکدیگر در تباین است. ادیب طاهرزاده می نویسد که نزول آن "در اوائل سال ۱۸۷۳" (۳۳) بوده و آنرا مقارن با همان سال ازدواج حضرت عبدالبهاء می داند. (۳۴) اما خود ایشان سال ازدواج حضرت عبدالبهاء را ۱۸۷۲ ثبت نموده است (۳۵).

برخی از نویسندگان بهانی تاریخ نزول را با احتیاط بیشتری ارائه داده اند. حسن بالیوزی سال ۱۸۷۳ را سال "پایان نزول" کتاب مستطاب اقدس می داند، (۳۶) و فاضل مازندرانی سال پایان نزول را ۱۲۸۸ ه.ق برابر با ۱۸۷۱-۲ م نوشته است (۳۷).

نویسنده معروف بهانی محمد علی فیضی به کلی از دادن هر نوع تاریخی صرفنظر می کند (۳۸) و علیرغم این تفاوت ها برخی نویسندگان این مسأله را به دست فراموشی سپرده سال ۱۸۷۳ را بدون چون و چرا سال قطعی نزول تلقی نموده اند (۳۹)

برخی دیگر از نویسندگان بر این عقیده اند که نزول کتاب اقدس نه در یک آن و یک سال بلکه تدریجی بوده است. امیر فرهنگ ایمانی دوره نزول را سالهای ۱۸۷۱-۱۸۷۳ می داند (۴۰). و وحید رافتی آنرا از ۱۲۸۷-۱۲۹۱ ه.ق برابر با ۱۸۷۰-۱۸۷۴ م به شمار می آورد (۴۱).

بنا بر نظریه دارالتحقیق مرکز جهانی "نزول کتاب مستطاب اقدس در طی سالها طول نکشیده است. کتاب زودتر از سال ۱۸۷۱-۷۲ نازل نشده است" (۴۲).

بدین ترتیب می بینیم که در آثار نویسندگان بهانی دوره نزول کتاب مستطاب اقدس از ۱۸۷۰ تا ۱۸۷۴ یاد شده و در آثار غیر بهانیان حتی تا ۱۸۷۵ نیز امتداد می یابد.

مطالعه آثار مبارکه که از قلم جمال مبارک نازل شده و نیز آثار حضرت عبدالبهاء نشان میدهد که اولاً کتاب مستطاب اقدس در طول دور معینی نازل گردیده که آغاز آن را می توان به ۱۸۶۸ مربوط دانست. در لوحی به امضاء خادم الله خطاب به آقا جمال بروجردی که بعدها به نقض گرانید، حضرت بهاء الله می فرماید: "این بسی واضح که کتاب اقدس از سماء مشیت نازل شد، در سنین معدوده مستور بود تا آنکه جمعی از نفوس مقبله مؤمنه از اطراف از احکام الهی سؤال نمودند و به کمال عجز و ابتهال سائل شدند لذا امر به ارسال کتاب اقدس شد..." (۴۳). در آیه ۹۸ کتاب مستطاب اقدس نیز ذکر گردیده که این کتاب بنا به استدعای چند تن از احباء نازل گردیده و قلم وحی تا چندی ساکت بود (امسکنا القم)، قوله عزّ بیانه:

قد حضرت لدی العرش عرائض شتی من الذین آمنوا و سنلوا فیها الله ربّ ما یری و ما لایری ربّ العالمین لذا نزلنا اللوح و زیناه بطراز الامر لعلّ الناس باحکام ربّهم یعملون و کذلک سنلنا من قبل فی سنین متوالیات و

امسكنا القلم حكمة من لدنا الى ان حضرت كتب من انفس معدودات في تلك الايام اجبناهم بالحق بما تحيي به القلوب.

جمال بروجردي که در بالا لوح خطاب به او نقل گردید سپس اجازه یافت که نسخه ای از آن کتاب خط نویسی کرده و برای احباء ایران ببرد (۴۴). سرانجام کتاب مستطاب اقدس در حدود سال ۱۲۹۰ هـ.ق برابر با ۱۸۷۳-۴ م به ایران فرستاده شد. (۴۵)

با توجه به این نکته که کتاب مستطاب اقدس " در سنین معدوده مستور بود" و سپس از طرف جمال الهی اجازه ارسال به ایران در سال ۱۸۷۳-۴ باشد با اشکال روبرو می گردد. زیرا اگر کتاب در سال ۱۸۷۳ و یا جدود آن نازل میشد نمی توانست هم زمان برای چند سالی "مستور" مانده باشد.

در لوح مبارک اشراقات که پس از نزول کتاب مستطاب اقدس در عکا از قلم وحی نازل شده حضرت بهاء الله اشاره به تاریخ نزول کتاب اقدس می فرمایند. در این لوح ضمن اشاره به اهمیت تعلیم و تربیت فرزندان، آیه ۴۸ کتاب مستطاب اقدس را نقل فرموده و زمان نزول آن آیه را به دقت "در اول ورود به سجن" بیان فرموده اند که منظور بلافاصله پس از ورود مبارکه به سجن عکا است. قول عزه "و این آیات در این مقام در کتاب اقدس در اول ورود به سجن از سماء مشیت الهی نازل" (۴۶). منظور مبارکه سجن عکاست که ورود حضرتشان به آنجا موافق با ۳۱ اگست ۱۸۶۸ می باشد (۴۷). توجه به این اصل که لااقل برخی قسمت های کتاب اقدس هنگامی نازل شد که جمال اقدس ابهی در اوت / سپتامبر سال ۱۸۶۸ وارد قلعه عکا شدند، مشکل تاریخ نزول کتاب را در سال ۱۸۷۳ حل می کند و آن را با عدم ارسال آن برای چند سال، و سپس ارسال آن در سال ۱۸۷۳-۴ / ۱۲۹۰ به ایران موافق می سازد.

سوی آن حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح با اشاره به بیانی در مورد عهد و میثاق الهی می فرمایند:

"در کتاب اقدس بیست و پنج سال پیش از صعود این نص صریح صحیح منصوص گردیده ... الی آخره". (۴۸)

بیست و پنج سال پیش از صعود جمال اقدس ابهی مطابق با ۱۸۶۷-۸ است و دلیل محکم دیگری است که ابتدای نزول کتاب اقدس در اوایل ورود حضرت بهاء الله به سجن عکا شروع شده و اگر رقم بیست و پنج سال قبل از صعود مبارک را دقیق تر حساب کنیم، حتی به دوره ادرنه که برخی آیات بزبان فارسی نازل گردیده میرسیم. تعیین ۱۸۶۸ برای زمان آغاز نزول کتاب مستطاب اقدس، کاملاً موافق مفاد سایر الواح مبارکه در این زمینه بوده و با زمان "تکمیل نزول آن" (۴۹) در سال ۱۸۷۳ در بیت عودی خمار متضاد نمی باشد.

در مورد اینکه نزول کتاب اقدس با استناد به لوح اشراقات در ابتدای ورود به سجن عکا بوده و در مورد بیان حضرت عبدالبهاء که تاریخ نزول را ۲۵ سال قبل از صعود ذکر فرموده اند دارالتحقیق مرکز جهانی در نامه ای خطاب به مجمع تحقیقات بهائی می نویسند: "منظور از این دو بیان دادن تاریخ دقیق نزول کتاب مستطاب اقدس نیست بلکه تاریخی تقریبی است" (۵۰).

بیان مبارک حضرت عبدالبهاء که احتمالاً یکی از نسخه های اولیه کتاب اقدس به خط ایشان تحریر یافته تنها اثری که ما را به سال ۱۸۶۸ راهبری می کند نیست. در لوح دیگری خطاب به حاج ملاً حسین لاری مورخ ۲ جمادی الاول سنه ۱۳۱۶ ه.ق برابر با ۱۸ سپتامبر ۱۸۹۸، که در جمع احباء قاهره صدای بلند تلاوت گردیده و نسخه ای به ادوارد براون داده شده می فرمایند (ترجمه به مضمون): "مگر کتاب اقدس سی سال قبل نازل نشد؟ (۵۱) که اگر سی سال را از ۱۸۹۸ کم کنیم دوباره به سال ۱۸۶۸ میرسیم. بر این اساس نیز معلوم است که لااقل بخشی از کتاب اقدس در آغاز ورود به سجن عکا نازل شده است.

محکم ترین شاهد که هم ساز و هم خوان با بیانات حضرت عبدالبهاء تاریخ نزول کتاب مستطاب اقدس را جز ۱۸۷۳ تعیین می کند بیانات مظهر ظهور الهی حضرت بهاء الله است. بسیاری شواهد در آثار حضرتشان مبنی بر آنست که نزول کتاب اقدس از نخستین دوره ورودشان به سجن عکا شروع شده است.

سوی لوح مبارک اشراقات که در بالا به آن اشاره شد، در برخی دیگر از الواح مقدسه دیگر نیز حضرت بهاء الله از کتاب اقدس و تاریخ نزول آن یاد فرموده اند. از جمله در لوح دنیا که پس از کتاب اقدس نازل شده می فرمایند:

"... در صحیفه حمرا (= کتاب اقدس) در سجن عکا نازل شد آنچه که سبب سمو عباد و عمار بلاد است ..." (۵۳)

باید بدانیم که در آثار مبارکه هنگام اشاره به قلعه عکا لفظ "سجن عکا" و در اشاره به خود شهر عکا "سجن اعظم" از قلم مبارک حضرت بهاء الله نازل شده است (۵۳). لوح دنیا که در اواخر سال ۱۸۷۰ پس از خروج از قلعه عکا از قلم اعلی نازل شده اشاره به نزول الاقل بخشی از کتاب اقدس در سجن عکا یعنی قلعه که جمال اقدس ابهی اول ورود در آنجا زندانی بودند دارد و نه به شهر عکا و بیت عودی خمار که در داخل شهر (سجن اعظم) واقع بود. (۵۴)

هم چنین در لوح دیگری حضرت بهاء الله می فرمایند:

"قد انزلنا فی السجن کتاباً سمی لدی العرض بالکتاب الاقدس" (۵۵)

که به روشنی معلوم است منظور از سجن قلعه است و نه خود شهر عکا.

این مطلب که حضرت بهاء الله در آثار خود به صراحت بین "سجن" (محل مسجونیت خود در آغاز ورود) و "سجن اعظم" (برای شهر عکا) فرق گذارده اند در دیگر آثار مبارک نیز دیده میشود. قوله الاحلی:

"ان یا حبیب، انّ المحبوب ینادیک من شطهر سجنه الاعظم و نوصیک بما نزل من قلمی المقدس فی کتابی الاقدس" (۵۶)

منتخباتی از الواح مقدسه حضرت بهاء الله که تحت عنوان "مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده" نشر گردیده فاقد تاریخ نزول و نام کسانی است که الواح به افتخار آنان نازل گردیده.

دسترسی پژوهشگران در آینده به این اطلاعات می تواند آنان را در دریافت بسیاری مطالب که مربوط به تاریخ امر و مخصوصاً تاریخ نزول کتاب مستطاب اقدس می شود یاری نماید. در یکی از این الواح اشاره مهمی به تاریخ نزول کتاب مستطاب اقدس هست:

"... در سنه قبل کتاب اقدس از سماء عطاء مالک اسماء نازل شده انشاء الله به عمل به آن موفق شوید" (۵۷)

این لوح خطاب به حاجی علی لنگرودی می باشد و مورخ ربیع الاول ۱۲۹۲ موافق را آپریل/ مه ۱۸۷۵ است که شاید دلالت بر این داشته باشد که کتاب مستطاب اقدس، و یا حداقل جزء مهم آن، در آن حین به اتمام رسیده بوده است.

بسیاری از جزئیات مهم تاریخ امر هنوز نامعلوم می باشد که در آینده با دسترسی به منابع و مصادر اصل شاید بیشتر مورد بررسی قرار گیرند. این منابع عبارتند از آثار متعددی از قلم اعلی که هنوز به چاپ نرسیده اند و بر آنها باید منابع دیگر مثل آثار مورخین قدماى امر را افزود. مثل تاریخ نبیل که اصل آن و به خصوص بخش دوم آن که مربوط به دوره حضرت بهاء الله می باشد ممکن است جزئیات بیشتری در خصوص تاریخ نزول ام الكتاب حضرت بهاء الله در اختیارمان بگذارد.

منظور از این مقاله آن بود که نشان داده شود نزول و نگارش کتاب مستطاب اقدس بر اساس آثار مبارک و نیز بر وفق الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء جریانی بوده است که در طی چند سال بطول انجامیده و در محل های گوناگون انجام پذیرفته، آغاز این جریان بلافاصله پس از ورود حضرت بهاء الله به سجن عکا بوده که آخر اوت و اول سپتامبر ۱۸۶۸ می باشد.

یادداشتها:

* این مقاله نخستین بار در "کنفرانس اروپائی مطالعات ایرانی" که در سپتامبر ۱۹۹۵ در دانشگاه کمبریج بر پا شد خوانده شد.

۱- A Synopsis and codification if the Kitab-I Aqdas of Bahauallah, Haifa, ۱۹۷۳

تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس.

۲- نقل از نامه مورخ ۲ مه ۱۹۴۷ که از طرف حضرت ولی امرالله در پاسخ یکی از یاران نوشته شده. مندرج در مجموعه ای که از طرف بیت عدل اعظم مورخ ۲۵ آوریل ۱۹۹۵ تحت عنوان "نامه هانی که خطاب به حضرت ولی امرالله در مورد کتاب اقدس نگاشته شده" و در پاسخ سوالات یکی از یاران نوشته شده است، در اختیار نگارنده.

۳- رک. پاورقی ۱، تلخیص و تدوین، ص ۸.

۴- تحت عنوان "الكتاب الاقدس و نبذة من احكام بهاء الله" در چاپخانه دوت پراشاد **Dutt Prashad** بمبئی که به یکی از افنان تعلق داشت. این مجلد به صورت لیتوگرافی منتشر شد و به خط حاج میرزا حسین شیرازی بود. نک. **E.G. Browne: Materials fir the Study of the Babi Religion**, Cambridge, ۱۹۱۸. rep. ۱۹۶۱, p۱۹۵. توان به لوح مبارک حضرت بهاءالله در رحیق مختوم، تألیف عبدالحمید اشراق خاوری، طهران ۱۳۱ بدیع، جلد دوم ص ۳۳۷ به بعد مراجعه کرد. همچنین نک. به لوح دیگری خطاب به میر عبدالرحیم در "مجموعه ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده"، لانگنهاین ۱۳۷ بدیع، ۱۹۸۰ م، ص ۱۶۸، حضرت ولی امرالله نیز در اوایل دوران ولایت در آثار خود عنوان عربی "کتاب الاقدس" را مورد استفاده قرار می دادند. نک:

Ryhiyyeh Rabbani: The Priceless Pearl, Londin ۱۹۶۹, P.۲۰۵: Adib Taherzade: The Revelation of Bahauallah. Vol۳. Oxford ۱۹۸۸, P.۳۴۵.

۵- نامه مورّخه ۹ فوریه ۱۹۳۰ نقل از جزوه یاد شده در پاورقی ۲، ص ۲.

۶- **Baharieh Rouhani Maani, Das kitab-I Aqdas: Seine Offenbarung and Seine Bekanntmachung, in: Asoekte des Kitab-I Aqdas, Schriftenreiteder Geschellschaft fur Bahai Studien, Bd.۲, Hofheim ۱۹۹۵, p.۳۱-۵۰, here p.۳۹.**

۷- رک. پاورقی بالا، ص ۳۸.

۸- مطبعة الآداب، بغداد ۱۹۳۱.

۹- صص ۹۷۲-۹۸۱ به نقل از کتاتب مؤژان مؤمن:

Selections from the Writings of E.G. Browne on the Babi and Bahai Religions, Oxford ۱۹۸۷, PP ۲۷۸-۲۸۷.

۱۰- **Kitabe Akdes, Zapiski Imperatorskoy Akademii Nauk S. Petersburg (Memoires de L Academie Imperiale des Sciences de St. Petersburg) ۸th.ser,vol۳. No.۶, ۱۸۹۹**

۱۱- **Al-Kitav al Aqdas or the most holy Book, Royal Asiatic Society Oriental Translation Fund, N. S. ۳۸, London ۱۹۶۱, appended later to: William M. Miller: The Bahai Faith, Its History and Teachings, South Pasadena ۱۹۷۴.**

۱۲- Alessandro Bausani: Aqdas, in: Encyclopaedia Iranica, ed. By Ehsan Yarshater, New York, cf. also the review of Millers Work by L. T. Elwell- Sutton in the Journal of the Riayal Asiatic Society, ۱۹۷۶, P.۱۵۷ f.

This is a polemical work an allout attack on, a merciless tirade against Bahaim, but treated not from the Christian, but from the Azali point of view

این کتاب شامل ردیه ای است ... شامل حمله بیرحمانه علیه بهائیان نه از دیدگاه یک مسیحی بلکه از دیدگاه یک ازلی، (ترجمه نظریه الول سانن).

۱۳- باهره روحانی معانی، پاورقی ۶، ص ۳۵. نسخه ای از کتاب مستطاب اقدس در محفظه دارالآثار در ارض اقدس حیفا موجود است که بخشی از آن شامل بر ۲۴ صفحه اول به خط حضرت عبدالبهاء می باشد در حالی که صفحات ۲۴ تا ۵۷ ظاهراً به خط میرزا محمد جواد قزوینی است. (از مرقومه دارالتحقیق معهد اعلی مورخ ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۵)

۱۴- Questions and Answers (risala-I sual was Javab), in: kitab-I- aqdas, Haifa ۱۹۹۲, pp.۱۰۵-۱۴۰. درباره جناب ملازمین العابدین (زین المقربین) رجوع کنید:

Moojan Momen: "The Apostles of Bahauallah", in: H. M. Balyuzi Eminent Bahais in the Time if Bahauallah, Oxford ۱۹۸۵, pp. ۲۶۱-۲۷۶, here pp. ۲۷۴-۶: cf. also Taherzadeh: Revelation, vol.۳,p.۲۷۸ff.

۱۵- فاضل مازندرانی، امر و خلق، لانگنهاین ۱۴۱ بدیع/ ۱۹۸۵، جلد اول، ص ۱۱، عبدالحمید اشراق خاوری، مانده آسمانی، نیو دهلی ۱۹۸۴، جلد ۲ ص ۹۷.

۱۶- Edlers preface to Al- Kitab al-Aqdas, p.۲.

۱۷- یکی از مواردی که در نسخه های متعدد متفاوت می باشد آیه ۱۹۰ کتاب مستطاب اقدس درباره نهی از شرب افیون می باشد که در نسخه قدیم تر به خط حضرت عبدالبهاء مذکور نمی باشد، حال آنکه همان آیه در نسخه جدیدتر جناب زین ذکر میشود. از نامه دارالتحقیق مرکز جهانی مورخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۰.

۱۸- Writings of Bahauallah, A Compilaltion, New Dehli ۱۹۸۶, pp ۱۷۳-۳۰۲.

۱۹- مانده آسمانی، جلد ۲، ص ۱۸.

۲۰- مانده آسمانی، جلد ۲، ص ۱۸.

۲۱- امر و خلق، جلد ۱، ص ۱۰. همچنین نک. به: ۲۷۹ Revelation, Taherzade vol۳, p.

۲۳- "die ersten det Siebziger Jahre", Herman Roemer: Die Babi- Behai. Die jungste mohammedanische Sekte, Potsdam ۱۹۱۲, p. ۱۰۸.

۲۴- Ingaz Goldziehr "vorlesungen uber den Islam "Heidelberg ۱۹۱۰ , John R. Richards: The Religion of the Bahais, London ۱۹۳۲.

۲۵- God Passes by چاپ ویلمت ۱۹۴۴ و ص ۲۱۳ و این بیان در بسیاری منابع بهائی نیز نقل گردیده است. از جمله Synopsis and Godification و در ترجمه جدید کتاب مستطاب اقدس (۱۹۹۲) ص ۱۲.

در اواخر ۱۸۷۰ هنگامی که قشله عکا که حضرت بهاء الله و خانواده در آنجا مسجون بودند مورد نیاز ارتش عثمانی قرار گرفت، هیکل مبارک و همراهان به منازلی در داخل شهر منتقل گردیدند. از سپتامبر ۱۸۷۱ تا اواخر ۱۸۷۳ حضرت بهاء الله در بیت عودی خمار تاجر مسیحی ثروتمندی از اهالی عکا اقامت داشتند. نک: A Basic Bahai Dictionary, ed. By Wendi

Momen, Oxford ۱۹۸۹, PP. ۱۰۹, ۱۲۸.

۲۶- ص ۸۰.

۲۷- Revelation, vol. ۳, p ۲۷۵.

۲۸- The Babi and Bahai Religions, Cambridge ۱۹۸۷, p. ۸۰.

۲۹- پیام بهائی، شماره ۱۵۰، مه ۱۹۹۲، ص ۲۹.

۳۰- گنج شایگان، طهران ۱۲۴ بدیع، ص ۱۳۴.

۳۱- ریحی مختوم، جلد دوم، ص ۳۳۸.

۳۲- محاضرات، لانگنهاین ۱۹۸۷، ص ۱۰۷۸.

۳۳- Revelation, vol. ۳, p, ۲۷۵.

۳۴- همانجا، ص ۴۰۰.

۳۵- The Covenant of Bahauallah, Oxford ۱۹۹۲. p. ۳۵۷.

۳۶- Bahauallah, King of Glory, Oxford ۱۹۹۱, p ۳۵۱.

۳۷- امر و خلق، جلد اول، ص ۹.

۳۸- حضرت بهاء الله، لانگنهاین، ۱۹۹۰، ص ۲۳۱.

۳۹- David Hofman, Bahauallah . The prince of peace, Oxford, ۱۹۹۲, pp ۱۶۳, ۱۶۵.

Basic Bahai Dictionary, pp, ۱۰۹, ۱۳۲.

۴۰- پیام بهائی، شماره ۱۵۰، مه ۱۹۹۲، ص ۲۵.

۴۱- همانجا، ص ۵۴.

۴۲- ضمیمه نامه انجمن مطالعات بهائی به نویسنده، مورخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۴.

۴۳- امر و خلق، جلد اول، ص ۳۵۴.۱۰. p. ۳۵۴.۱۰, vol ۲, p. ۳۵۴.۱۰, Taherzadeh, Revelation, همچنین نگاه کنید به

پاورقی ۱۲۶ ترجمه انگلیسی کتاب مستطاب اقدس، ص ۲۱۹ به بعد.

۴۴- لوح مبارک خطاب به حاجی آخوند، به تاریخ ۱۵ جمادی الاول ۱۲۹۰ برابر با ۱۱ ژوئیه ۱۸۷۳ به نقل

از امر و خلق، جلد اول، ص ۱۰-۱۱.

۴۵- امر و خلق، همانجا. همچنین نک. به نظریات امر و خلق فاضل مازندرانی، همانجا ص ۱۱.

۴۶- اشراق هفتم، اشراقات، مجموعه ای از الواح حضرت بهاء الله ...، ص ۷۵، امر و خلق، جلد اول،

ص ۹.

۴۷- Shoghi Effendi, God Passes by, p ۲۱۵: Taherzadeh, Revelation, vol. ۳, p, ۱۱ f:

Balyuzi, Bahauallah, King if Glory, p. ۲۷۰ f.

۴۸- hlv , ogrT [gn h,gT w ۹.

۴۹- Balyuzi, Bahauallah, King if Glory, p. ۳۵۱.

۵۰- ضمیمه نامه انجمن مطالعات بهائی به نویسنده، مورخ ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۴.

۵۱- Browne, Materials, p. ۱۶۳.

۵۲- مجموعه ...، ۵۰.

۵۳- Shoghi Effendi, God Passes by, p. ۱۸۵: Taherzadeh, Revelation, vol ۳, p ۱: A

Basic Bahai dictionary, p ۱۳.

۵۴- منظور از "صحیفه حمراء" کتاب مستطاب اقدس است. این امر همچنین در فهرست ترجمه آلمانی مجموعه الواح مبارکه حضرت بهاء الله که پس از کتاب اقدس نازل شده آمده است. در فهرست زیر "صحیفه حمراء" همه جا به "کتاب اقدس" رجوع داده میشود. نک:

**Botschaften aus Akka iffenbart nach dem Kitab-I-Aqdas, Langenhein ۱۹۸۲.
p۳۳۲.**

۵۵- مجموعه ...، ص ۱۶۸.

۵۶- مجموعه ...، ص ۱۷۱.

۵۷- مجموعه ...، ص ۱۷۴.